Payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۳۰۲۶
چهارشنبه / ۲۴ تیر / ۱۴۰۵
۳۰ / محرم / ۱۴۴۸
15 / July / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶-۳۲۵۳۴۳۴۳ دکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۴۴ امروز با حافظ

حکایتِ شبِ هجران نه آن حکایتِ حالیست
که شَمّه‌ای ز بَیانش به صد رساله برآید
ز گِردِ خوانِ نگونِ فلک طمع نتوان داشت
که بی مَلالتِ صد غُصه، یک نَواله برآید

غزل

گذشتنگه است این سرای سپنجی
برو بازجو دولت جاودان را

پروین اعتصامی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۱۹	۰۵:۰۲	۱۲:۱۲	۱۹:۲۲	۱۹:۴۳

برگه

در آن لحظه که به این نتیجه می‌رسید که همه‌چیز درست خواهد شد، حقیقتا نیز چنان خواهد شد...

جان اف کندی

گزارش روز

این نگاه که ما الان پشت خیمه معاویه‌ایم و باید کار را تمام کنیم، ما را به کجا می‌برد؟

وقتی جنگ به یک امر قدسی و مذاکره به یک امر مذموم تبدیل شود، دیگر تصمیم‌گیران نه بر اساس موازنه هزینه و فایده، بلکه زیر فشار روایت‌های مطلق‌گرا تصمیم خواهند گرفت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اعتماد، دشمن می‌خواهد ایران را در موقعیتی قرار دهد که همسایگان از آن فاصله بگیرند، همکاری‌های اقتصادی و مالی دشوارتر شود، شرکای راهبردی مانند چین با احتیاط بیشتری رفتار کنند، پرونده هسته‌ای وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر شود و زمینه برای شکل‌گیری اجماع جهانی علیه ایران فراهم آید.

این همان دام راهبردی است که اگر در آن گرفتار شویم، سرمایه‌ای که با مقاومت مردم و خون شهدای گرانقدر به دست آمده، مستهلک خواهد شد و پیروزی ایران، به یک بازی دوسرباخت بدل می‌شود که تنها برنده آن، طراحان جنگ و آشوب خواهند بود.

همین منطق درباره تنگه هرمز نیز صادق است. هرمز، یک اهرم ژئوپلیتیکی و بخشی از سرمایه راهبردی ایران است. ارزش این اهرم، به توانایی استفاده هوشمندانه، به‌موقع و متناسب از آن وابسته است. تهدید مکرر به بستن تنگه، پیش از آنکه هزینه‌ای بر رقیب تحمیل کند، می‌تواند کشورهای منطقه و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی را به این جمع‌بندی برساند که امنیت تجارت جهانی در گرو مهار ایران است؛ همان روایتی که اسراییل سال‌ها برای ساختن آن تلاش کرده است.

اگر هر سخن از مذاکره و مدیریت بحران، پیش از آنکه شنیده شود با اتهام خیانت خاموش شود، دامنه انتخاب حکمرانی به دست خودمان تنگ خواهد شد. همزمان، اگر امریکا و اسراییل نیز تنها به گزینه نظامی بیندیشند، دو طرف در چرخه‌ای از تشدید متقابل گرفتار می‌شوند که برنده‌ای ندارد و تنها بر حجم خسارت‌ها می‌افزاید. در چنین شرایطی، بیش از هر چیز به وحدت در سطح تصمیم‌گیری نیاز داریم.

کشورها در لحظات سرنوشت‌ساز، با وحدت راهبردی از بحران عبور می‌کنند. امروز مسوولیت تاریخی عقلای کشور آن است که با نگاهی ملی، نه جناحی، پیرامون یک راهبرد مشترک به جمع‌بندی برسند، با وحدت فرماندهی آن را اجرا کنند و مسوولیت همه پیامدهای آن را نیز بپذیرند. بحران، زمان آزمون کارآمدی نظام تصمیم‌گیری است، نه میدان رقابت روایت‌ها و منازعات سیاسی.

البته ما چالش درونی دستیابی به یک روایت مشترک هم داریم. دو قرائت افراطی، هرچند از دو خاستگاه متفاوت، فضای تصمیم‌گیری را تحت فشار قرار داده‌اند؛ یکی، معتقد است که حتما نباید الان پیروز شویم و پیروزی در تاریخ مهم است. از این رو، تداوم جنگ را امری مطلوب می‌شمارد. دیگری، می‌گوید که ما پشت خیمه معاویه هستیم و در موقعیت کودتای الیگارشی مجبور به آتش‌بس و مذاکره شدیم. بنابراین بجنگیم تا خیمه معاویه را فتح کنیم

حاصل هر دو رویکرد، تنگ‌شدن میدان سیاست‌ورزی عقلانی است. وقتی جنگ به یک امر قدسی و مذاکره به یک امر مذموم تبدیل شود، دیگر تصمیم‌گیران نه بر اساس موازنه هزینه و فایده، بلکه زیر فشار روایت‌های مطلق‌گرا تصمیم خواهند گرفت.

در چنین فضایی، لابد رسیدن به اجماع داخلی دشوار و عبور از بحران پُرهزینه‌تر می‌شود. انتقام، اگر در زمان درست و با محاسبه دقیق هزینه و فایده صورت گیرد، هم حق ملت ایران را ادا می‌کند و هم پیام روشنی به دشمنان می‌دهد که تجاوز به ایران بی‌هزینه نخواهد بود. هنر حکمرانی آن است که هم حق امروز را پاس بدارد و هم آینده فردا را حفظ کند.

قادر باستانی تبریزی

دیدگاه

راز شادی میلیون‌ها نفر با یک گل؛ در مغز ما چه می گذرد؟

در دقیقه ۸۹، وقتی مهاجم با دقتی مثال‌زدنی توپ را به تور می‌چسباند، اتفاقی فراتر از ورزش رخ می‌دهد؛ در سراسر دنیا میلیون‌ها نفر هم‌زمان با هم غرق در شادی می‌شوند. با وجود اینکه ما هرگز آن بازیکن را ندیده‌ایم، اما این شادی به‌شدت شخصی است. علت این نزدیکی در قوانین فوتبال نیست، بلکه در سیم‌کشی‌های پیچیده مغز و تکامل میلیون‌ها ساله ما نهفته است؛ جام جهانی، بزرگ‌ترین نمایش علوم اعصاب در عمل است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، هر گل، هر کارت قرمز و هر جشنی که در سطح جهانی رخ می‌دهد، دریچه‌ای برای درک این مسئله است که چگونه مغز مفهوم پاداش، احساسات و تعلق را در ما پردازش میکند. محققان مدت‌هاست می‌دانند که تماشای مسابقات ورزشی و حتی نرم‌شهای ورزشی، سیستم‌های عصبی را فعال کرده و در پاداش‌های شخصی و حیاتی ما نقش دارند. در واقع، مغز انسان به گونه‌ای تکامل یافته است که تیم محبوبش را نه به عنوان یک نهاد خارجی، بلکه به عنوان بخشی از هویت و خود می‌پذیرد. این گزارش که در سایت lambda biologics منتشر شده به بررسی لایه‌های علمی این پدیده از سیگنالینگ دوپامین تا هماهنگی عصبی میان میلیون‌ها نفر می‌پردازد.

وقتی دوپامین مرز میان من و آن‌ها را می‌شکند

برای درک اینکه چرا تماشای یک بازی می‌تواند احساسی معادل یک دستاورد شخصی ایجاد کند، باید سیستم پاداش مغز را بررسی نماییم. وقتی ما با هیجان به تماشای یک مسابقه می‌نشینیم، مغز ما در حال انجام یک محاسبه بیولوژیک است. مطالعات پیشرفته‌ای که با استفاده از تکنولوژی تصویربرداری رزونانس مغناطیسی عملکردی انجام شده، نشان داده است که هنگام پیروزی تیم محبوب، جسم مخطط شکمی (Ventral Striatum) به شدت فعال می‌شود. این ناحیه، مرکز فرماندهی شبکه دوپامین مغز است. دوپامین، همان نوروترنسمیتری است که هنگام خوردن غذای لذیذ، برنده شدن در یک مسابقه یا رسیدن به یک هدف شخصی ترشح می‌شود.

نکته حیرت‌انگیز این است که مغز هوادار در این لحظات، تفاوتی بین خود فیزیکی و تیم مورد علاقه قائل نمی‌شود. تحقیقاتی که پوری هاسون، متخصص علوم اعصاب، در دانشگاه پرینستون انجام داده به وضوح نشان میدهد که: وقتی ما خود را با یک گروه هویت‌یابی می‌کنیم، آن گروه به بخشی از مدل ذهنی خود ما تبدیل می‌شود. بنابراین، وقتی توپ وارد دروازه می‌شود، مغز ما سیگنال پاداش را دریافت کرده و به ما حس موفقیت شخصی می‌دهد. ما نه تنها به خاطر بازی زیبا، بلکه به خاطر تایید هویتمان توسط پیروزی تیم، غرق در دوپامین می‌شویم.

چرا مغز، تیم را "ما" می‌بیند؟

پاسخ این سوال را باید در روان‌شناسی تکاملی جستجو کرد. در طول تاریخ تکامل، بقای انسان به توانایی او در تشکیل گروه‌های اجتماعی منسجم بستگی داشت. مغز ما برای زندگی در گروه‌های کوچک و همبسته طراحی شده است که در آن خودی‌ها و بیگانه‌ها به وضوح از هم متمایز بوده‌اند.

امروز، استادیوم‌های فوتبال نقش همان قبایل باستانی را بازی می‌کنند. وقتی هواداران پیراهن یک تیم را می‌پوشند، در واقع یک نشانه هویت جمعی را انتخاب می‌کنند. مغز ما این پیراهن و پرچم را به عنوان نشانه‌هایی از خودی بودن پردازش می‌کند. شکست تیم، از نظر بیولوژیک تهدیدی برای حیثیت اجتماعی و هویت گروهی ما می باشد به همین دلیل است که تماشاگران هنگام شکست تیم، دردی واقعی را تجربه می‌کنند. این درد، صرفا یک ناراحتی ساده نیست، بلکه یک پاسخ محافظتی مغز به تهدید انسجام گروهی است.

هماهنگی بین‌مغزی و قدرت جمعیت

یکی از مهیج‌ترین یافته‌های اخیر در علوم اعصاب، پدیده هماهنگی بین‌مغزی (Inter-brain Synchrony) است. تحقیقات پیشگامانه هاسون نشان داد که مغز انسان‌ها در تعامل با محرک‌های بیرونی، تمایل عجیبی به هم‌فرکانس شدن دارد. تصور کنید در لحظه‌ی حساس ضربات پنالتی، ۵۰ هزار نفر در ورزشگاه و میلیون‌ها نفر در خانه‌هایشان، همگی در حال حبس کردن نفس خود هستند. در این لحظه، الگوی امواج مغزی و فعالیت‌های عصبی همه این افراد، شباهت‌های شگفت‌انگیزی پیدا می‌کند. آن‌ها با هم پیش‌بینی می‌کنند، با هم تنش را حس می‌کنند و با هم در لحظه‌ی گل، منفجر می‌شوند. این هم‌نوازی عصبی، حسی از یکی شدن ایجاد می‌کند که در هیچ فعالیت انفرادی دیگری یافت نمی‌شود. در این لحظات، فرد تنها، به بخشی از یک کل بزرگ‌تر تبدیل می‌شود که برای مغز، تجربه‌ای بسیار پاداش‌دهنده و آرامش‌بخش خواهد بود.

ورزش پادزهر تنهایی در عصر مدرنیته

ما در عصری زندگی می‌کنیم که متخصصان آن را اپیدمی تنهایی نامیده‌اند. دورکاری، شبکه‌های اجتماعی و کاهش تعاملات فیزیکی، سیستم‌های پاداش اجتماعی مغز ما را تشنه نگه داشته است. جراح عمومی ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ به صراحت اعلام کرد که گسست اجتماعی یک بحران سلامت عمومی است.

در چنین فضایی، جام جهانی صرفا یک رویداد ورزشی نیست بلکه یک گردهمایی بزرگ جهانی است که نیازهای بیولوژیک ما به تعلق را پاسخ می‌دهد. مطالعات جدید نشان می‌دهد افرادی که مرتبا ورزش تماشا می‌کنند، سطوح بالاتری از رفاه ذهنی و شکوفایی را گزارش می‌دهند، زیرا ورزش به آن‌ها بستری برای مشارکت اجتماعی می‌دهد. وقتی در یک جمع، چه واقعی و چه مجازی، در شادی یا غم تیم مشترکمان سهیم می‌شویم، مغز ما پیوندهای عصبی اجتماعی را بازسازی می‌کند. ما به فوتبال می‌آییم تا مسابقه ببینیم، اما مغز ما برای متصل ماندن و احساس تعلق می‌ماند.

وقتی هیجان، قلب را به تپش می‌اندازد

ارتباط عمیق مغز با ورزش، هزینه‌های فیزیولوژیکی همراه دارد. لوچ و فرودهای عاطفی طرفداران، در کلمات خلاصه نمی‌شود. بررسی‌ها نشان داده‌اند که در طول بازی‌های بزرگ، ضربان قلب، فشار خون و سطح کورتیزول (هورمون استرس) هواداران دوآتیشه به‌طور معناداری افزایش می‌یابد.

مغز هوادار، مسابقه را یک رویداد حیاتی طبقه‌بندی می‌کند. وقتی تیم در حال حمله است، مغز سیگنال آمادگی برای نبرد صادر می‌کند و سیستم سمپاتیک بدن را فعال می‌کند. این پاسخ‌ها دقیقا مشابه واکنشی است که اجداد ما هنگام مواجهه با شکار یا خطر داشتند. بنابراین، وقتی می‌بینیم هواداری سر خود را با دست می‌گیرد یا از استرس می‌لرزد، این‌ها پاسخ‌های بیولوژیک بدن به اهمیت عمیقی است که مغز برای آن پیوند اجتماعی قائل شده است.

مغز برای "ما" بودن طراحی شده است

علم به ما می‌گوید که انسان‌ها موجوداتی انزواطلب نیستند. مغز ما در طول میلیون‌ها سال تکامل، برای زندگی در پیوندهای عمیق، تجربه‌های مشترک و هیجانات جمعی سیم‌کشی شده است. فوتبال به عنوان بزرگترین ورزش جهان، تنها به دلیل زیبایی حرکات یا تاکتیک‌ها محبوب نشده است. محبوبیت آن به این دلیل است که این ورزش به مغز ما اجازه می‌دهد تا هویت فردی خود را به هویت جمعی پیوند بزند.

هر گل، هر جشن جمعی و هر نفس مشترک در لحظات حساس، نشان می‌دهد که ما انسان‌ها چقدر مشتاقیم تا بخشی از یک داستان بزرگتر باشیم. جام جهانی فقط یک جشنواره فوتبال نیست؛ جام جهانی یکی از جشنهای تعلق است و دلیل اینکه هر گل برای شما شخصی به نظر می‌رسد این است که: مغز شما هرگز برای زندگی کردن به تنهایی طراحی نشده است. ما برای اتصال به یکدیگر ساخته شده‌ایم و فوتبال و یا هر جشن و یا عزای عمومی یکی از زبان‌هایی است که برای گفتن این حقیقت به کار می‌بریم.

برش

آیا «فرام» ضدمذهبی است؟

بررسی جایگاه ایمان و مفهوم تناسخ در سریال پرطرفدار From

با گسترش بحث‌ها درباره محتوای اعتقادی سریال «فرام»، این پرسش در میان دوستداران این مجموعه جدی شده است که آیا فرام در پی نفی دین است یا تبلیغ باورهایی چون تناسخ است یا با بهره‌گیری از عناصر وحشت و معما، پرسش‌هایی درباره ایمان، رنج امید را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، سریال «فرام» در سال‌های اخیر به یکی از آثار بحث‌برانگیز ژانر وحشت تبدیل شده است. برخی کاربران فضای مجازی این مجموعه را اثری ضدمذهبی یا مروج تناسخ می‌دانند، اما گروهی دیگر معتقدند با بررسی دقیق روایت و مواضع سازندگان سریال from از شبکه ام‌جی‌ام پلاس می‌توان به این نتیجه رسید که این سریال در ژانر وحشت تصویر متفاوتی ارائه می‌دهد.

داستان «فرام» از سال ۲۰۲۲ در شهری مرموز جریان دارد که ساکنان آن راه گریزی از آن ندارند و شب‌ها با موجوداتی مرگبار روبه‌رو می‌شوند. در این فضای هراس‌انگیز، ایمان و امید به یکی از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های شخصیت‌ها تبدیل می‌شود.

شخصیت کشیش چه تأثیری در داستان دارد؟

شخصیت کشیش شهر «پدر رودرا خاتری» یکی از پایه‌های استدلال درخصوص نقش مذهب در این سریال است. این شخص که حتی بعد از مرگ هم با بوید شخصیت اصلی داستان در ارتباط است، نه سوژه تمسخر است و نه تماد افراط‌گرایی؛ او نقش پناهگاه معنوی ساکنان را بر عهده دارد. در یکی از خطبه‌های به‌یادماندنی خود در فصل تخست از «هرج‌ومرج و ایمان» به‌عنوان دو روی زندگی انسان سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که در دل آشفتگی‌ها ایمان می‌تواند امید ادامه دادن را زنده نگه دارد. جان گریفین و جف پینکنر، سازندگان سریال تیز تأکید کرده‌اند که حضور یک روحانی در شرایط بحرانی، فرصتی طبیعی برای طرح پرسش‌های معنوی و فلسفی فراهم می‌کند.

اتهام تبلیغ تناسخ تیز بیشتر به تحولات فصل سوم بازمی‌گردد. با این حال، این استدلال مطرح شده است که چرخه بازگشت شخصیت‌ها در منطق داستان نتیجه پیمانی تاریک و متشاً رنج است، نه مسیری برای رستگاری یا تبلیغ یک باور دینی و «فرام» را باید اثری معمایی و فلسفی دانست که از مفاهیم دینی، علمی و اسطوره‌ای برای تعمیق روایت خود بهره می‌گیرد، بی‌آنکه در پی تأیید یا رد هیچ عقیده خاصی باشد.

گولم در سریال from

گولم یا گالم یکی دیگر از موضوعاتی بود که در سریال فرام بحث برانگیز شد. گولم که در مباحث مربوط به فرقه‌های یهودی مانند کابالا بسیار مورد توجه است، به موجودی گفته می‌شود که به واسطه جادو ساخته شده و به انسان تبدیل می‌شود. در داستان این سریال یکی از شخصیت‌ها به نام فاطیما که تحت تأثیر موجودات خبیث قرار گرفته است با ساختن «گالم» به دنبال رهاکردن خود از مخصمه‌ای است که در آن گرفتار شده است.

موافقان سریال می‌گویند که این امر بیشتر کارکردی تمادین و روان‌شناختی دارد و بیانگر تلاش انسان برای مقابله با ترس و بازیابی امید است چنانکه فاطیما پس از تجربیات تروماتیک (از جمله زایمان موجود خبیث)، به دنبال بازپس گیری کنترل و مقابله با ارتباط ناخواسته با تیروهای تاریک است اما مخالفان این دیدگاه معتقدند فرام حتی اگر به شکل مرئی در پی ترویج دیدگاه‌های انحرافی کابالیستی نباشد، آن را به صورت زیرپوستی به مخاطبانش القامی کند.